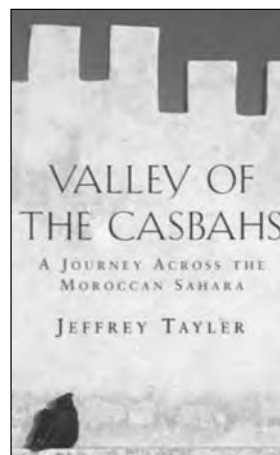


وادی القصبات

سفری در صحرای مغرب

○ ترجمه: علی علیمحمدی



○ وادی القصبات، سفری در صحرای مغرب

○ تألیف: جفری تیلور

○ ناشر: لیتل براون، لندن - ۲۰۰۳ م

○ ۳۳۵ صفحه

O Valley of the Casbahs: A Journey Across

The Moroccan Sahara

O Jeffrey Tayler

O Little Brown - London 2003

O pp. 335

مسیر هستند. آب و هوای این منطقه بسیار گرم است، به نحوی که در تابستان گاهی اوقات دمای هوا از ۴۰ درجه هم فراتر می‌رود. اما بین ماه‌های اکتبر تا آوریل، آب و هوا معتدل و دلپذیر بوده و برای سیاحت و دیدار از آن منطقه، زمان مناسبی است. به اعتقاد تیلور، مسئله‌ای که بیش از هر چیز باعث تحیر گردشگران می‌گردد، وجود پستی و بلندی‌های خشک و بی آب و علف این منطقه است که با سرسبزی واحه‌ها در دشت‌ها و دره‌ها تفاوت اساسی دارد. شگفتی جنوب نیز در همین مسئله نهفته است که ناگهان از منطقه‌ای خشک و بی آب و علف به واحه‌هایی سرسبز و باطراوت می‌رسیم، و رطوبتی دلپذیر را احساس می‌کنیم، امری که پیاپی تکرار می‌شود.

در این منطقه دو رود «ورزازات» و «دادیس» به هم رسیده و رود «درا» را تشکیل می‌دهند که طول آن در گذشته‌های دور به هزار کیلومتر می‌رسیده است. تیلور می‌نویسد: یکی از مورخان یونانی آورده است که در این رود آبزیان و حیوانات وحشی و عجیب و غریبی مانند تمساح وجود داشته که اینک نسل بیشتر آنها منقرض شده است. امروزه طول این رود نزدیک به دویست کیلومتر است و بسیاری از واحه‌ها و دشت‌ها را آبیاری می‌کند و سرسبزی و حیات دلپذیری را به کرانه‌های آن می‌بخشد. سواحل رود «درا» و صحرای خشک مشرف، زیبایی خاصی به این منطقه داده است، به گونه‌ای که نوار سبزی این منطقه صحرائی را به دو نیم تقسیم کرده است.

نویسنده درباره ساکنان این منطقه می‌نویسد: تا هفتاد کیلومتری ابتدای این رود، اثری از مردم دیده نمی‌شود؛ چون رود از مناطق کوهستانی و ناهموار و صخره‌های سیاهی عبور می‌کند که تقریباً اثری از گیاه و علف در آن نیست. بعد از آن کم‌کم مناطق مسکونی روستایی ظاهر می‌شود. اولین قصبه «اغز» نام دارد و از چندین روستا تشکیل شده که هزاران هکتار نخلستان آن را احاطه کرده است. همچنین قصر تاملین اوغالت روبه‌روی قصبه اغز دیده می‌شود که قلعه قدیمی قبیله میزغویتا است.

بعد از این قصبه، منطقه «محامید» شروع می‌شود و تا مصب دریا ادامه دارد. در این منطقه بخش عمده‌ای از آب رودخانه در صحرا به هدر می‌رود. در مسیر این رود، با واحه‌ها و باغ‌های سرسبز ممتد و قصرها و قلعه‌ها روبه‌رو می‌شویم و نخلستان‌ها، باغ‌های انار، بادام، هلو و آلو و کشتزارهای ذرت و گندم نیز محصولات این مسیر را تشکیل می‌دهند. عرض نوار سبز کنار رود نزدیک به یک کیلومتر است. در ماه فوریه واحه‌های این منطقه بسیار زیباست. باغ‌های بادام و شکوفه‌های زیبای آن و کوه بلند

مؤلف اثر، جفری تیلور، جهانگرد معروف انگلیسی است که در بسیاری از مجلات و روزنامه‌ها فعالیت دارد و هم‌اکنون نیز ساکن مسکو است. از آثار او می‌توان به، در رویارویی با کنگو، سپیده‌دم سبیری و گردشی در روسیه جدید اشاره کرد. نویسنده منطقه‌ای در جنوب مغرب به نام «وادی القصبات» را مورد بحث قرار می‌دهد. قصبات جمع قصبه به مفهوم مرکز روستاها، قلعه‌ها و دژها است و در کشور مغرب و شمال آفریقا نیز به معنی مرکز روستاها و شهرها به کار برده می‌شود. جنوب مغرب به سبب مناظر طبیعی مسحورکننده و وجود مناطق کوهستانی، دره‌ها و صحرا، از زیباترین و عجیب‌ترین مناطق جهان به شمار می‌آید. کوه‌های اطلس این منطقه را از دیگر نقاط مغرب، به‌ویژه دشت‌های زراعی حاصلخیز و سرسبز و شهرهای صنعتی جدا می‌کند. این دشت‌های زراعی حاصلخیز و شهرهای صنعتی به دلیل برخورداری از شرایط منحصر به فرد خود، از دیگر مناطق کشور مغرب متمایز است. دشت‌های غربی مغرب به دلیل خاک حاصلخیز و وجود شهرهای بزرگی چون «فاس»، «مکناس» و «رباط»، از غنی‌ترین و پیشرفته‌ترین مناطق مغرب به شمار می‌رود. منطقه کوهستانی و ناهموار جنوب مغرب، مدت‌های طولانی از نفوذ و حضور بیگانگان و جهانگردان به دور بوده و ساکنان آن به رغم فقر و تنگدستی، به شجاعت، مناعت طبع و شرافتمندی شهره‌اند.

قبایل صحرائی جنوب غربی کشور مغرب - به جز سلسله اول یعنی ادربیسه - مهد سلسله‌های پادشاهی کشور مغرب بوده‌اند که از آن جمله می‌توان به قبائل سوسه، تافیلالات و علویه (که خود از منطقه تافیلالات بوده) اشاره کرد. منطقه تافیلالات دارای نخلستان‌های انبوهی است که تا مرزهای جنوب شرقی مغرب امتداد دارد. به نظر نویسنده، جنوب مغرب هم‌اکنون از مهمترین مناطق سیاحتی این کشور به شمار می‌آید و دولت نیز در سال‌های اخیر با سرمایه‌گذاری قابل توجه در این منطقه، امکانات رفاهی - اقامتی فراوانی را برای گذراندن تعطیلات زمستانی و تابستانی ایجاد کرده است.

نویسنده درباره شرایط جغرافیایی «طریق القصبات» می‌نویسد: طریق القصبات که در حدود ۳۰۰ کیلومتر است، از شهر «الرشیدیه» تا «ورزازات» امتداد دارد. زیباترین مناطق طبیعی و سیاحتی، باغ‌های بادام، نخلستان‌ها، مناظر جذاب و دل‌انگیز، چشم‌انداز دره‌ها و گلزارها و جویبارها، کوه‌های سر به فلک کشیده و تپه‌های شنی (که تا دوردست‌های صحرا امتداد دارند)، از جمله مناطق مورد بازدید گردشگران در این



تیلور: جنوب مغرب به سبب مناظر طبیعی مسحورکننده و وجود مناطق کوهستانی، دره‌ها و صحرا، از زیباترین و عجیب‌ترین مناطق جهان به شمار می‌آید

زندگی مردم این منطقه همچون زندگی همه کشاورزان و مردم روستایی دیگر، یک زندگی ساده و تابع فصول است. چرا که هر فصل اوضاع و فعالیت‌های خاص خود را دارد، پاییز زمان بذر پاشیدن و شخم زمین‌هاست و زمستان با سرد شدن هوا و بارش سنگین برف در مناطق کوهستانی همراه است، به نحوی که در دره‌ها و مناطق مسکونی، بارش برف مردم را تا چند روز و شاید تا چند هفته در خانه‌ها محبوس می‌کند. مؤلف درباره فعالیت زنان در این دو فصل می‌نویسد: فعالیت زنان در این برهه از سال بیشتر می‌شود چرا که آنان علاوه بر آشپزی و کار خانه، برای گرم کردن خانه در زمستان به جمع کردن هیزم و چوب خشک مشغول می‌شوند. همچنین برای آوردن آب و تهیه چای به کنار جویبارها و چشمه‌ها می‌روند و حتی گاهی نیز پای برهنه در برف این کار انجام می‌گیرد.

ساکنان منطقه، فصل بهار را در کشتزارها و مزارع خود می‌گذرانند و به کشاورزی و دامداری مشغول‌اند و در فصل تابستان که موسم برداشت فرامی‌رسد، حاصل دسترنج و ثمره کشاورزی و باغداری خود را برداشت می‌کنند.

تیلور درباره دین و مذهب مردم منطقه بیان می‌کند که برخی، مردم بربر این منطقه را متهم می‌کنند که حقیقتاً مسلمان نیستند و این اتهامی بیش نیست. درست است که سحر و جادو و افسانه‌ها و باورهای اسطوره‌ای باستانی در روستاها و مناطق دوردست این سرزمین متداول است، اما همه مردم آن مسلمان هستند. و اگر در روستای محرومی، مسجدی نباشد، مردم، اتاقی را در وسط روستا برای اعمال دینی خود به عنوان مسجد بنا می‌کنند و فردی در مقام فقیه یا طلبه دینی، زبان عربی، قرآن کریم و مبانی و اصول دین اسلام را به کودکان آموزش می‌دهد. این‌گونه است که مردم این منطقه از گذشته‌های دور با اسلام آشنا شده‌اند و اکنون نیز مسلمان هستند. هرچند استعمار تلاش کرد تا بذر تفرقه و اختلاف را میان عرب و بربر این منطقه بپاشد، اما به موفقیتی نرسید. چرا که این مردم خود را از ریشه واحدی می‌دانند و بیشتر آنها بربرهایی هستند که عرب شده‌اند.

در روزگار «حسن دوم»، مغرب خود را به عنوان یک کشور عربی اعلام کرد و زبان رسمی و ملی، زبان عربی شد. اگرچه در این اواخر زبان بربری (امازیغی) نیز جایگاه خود را بازیافته و برنامه‌های تلویزیونی و پخش اخبار به این زبان اجرا می‌شود. البته این مسئله‌ای طبیعی است، زیرا بخش اعظم مردم این کشور هنوز به زبان بربری صحبت می‌کنند. اما زبان عربی در اولویت بوده و این زبان، زبان ملی کشور مغرب است. همچنین بیشتر مردم این کشور، به‌ویژه دانشجویان و دانش‌آموزان، با زبان فرانسه آشنا هستند و علت آن به تاریخ حضور استعمار فرانسه در این کشور بازمی‌گردد.

مغون که ارتفاعش نزدیک به ۴۰۷۰ متر و مشرف به این منطقه است، چشم‌اندازها و مناظر زیبایی را خلق می‌کند.

تیلور سپس به منطقه دادیس می‌پردازد: در منطقه دادیس کشاورزی را می‌بینی که در حال زراعت‌اند. گندم، سبزیجات و میوه‌های مختلف از محصولات این منطقه‌اند. ساکنان آن برای اینکه محصولات پربرتری داشته باشند و از همه زمین‌های قابل زراعت استفاده کنند، خانه‌های خود را بیرون از زمین‌های کشاورزی و در مناطق خشک و غیرقابل کشاورزی بنا کرده‌اند.

نویسنده درباره خلق و خوی مردم این منطقه می‌نویسد: چیزی که در این منطقه برای یک گردشگر عجیب می‌نماید، مهمان‌نوازی مردم بربر است. به گونه‌ای که فقیرترین اشخاص هم ممکن نیست، چیزی به او تعارف نکنند یا چای مغربی با طعم نعنای برایش آماده نسازند. حتی برخی روزها به خاطر همین مهمان‌نوازی‌ها ممکن است بیش از پانزده فنجان چای بنوشی، چرا که احترام ایجاد می‌کند تعارف پرمحبت آنان را رد نکنی. به علاوه بی‌آلایشی، صداقت، خودجوشی، شادابی و سرزندگی، به رغم فقر و زندگی سخت، از ویژگی‌های مردم آن منطقه است و همه این ویژگی‌ها، بر شگفتی این منطقه می‌افزاید و شکی نیست که این همه، به دلیل خلق و خوی خوش و ساده زیستن آنان است که ساکنان شهرهای بزرگ فاقد آن هستند.

جفری تیلور درباره تشکیلات اجتماعی و سیاسی قبائل بربر نیز می‌آورد که این قبائل تا سال ۱۹۲۳ تحت فرمان حکومت مرکزی نبوده و از این سال به بعد است که کم‌کم تحت حاکمیت حکومت مرکزی درآمدند. گفتنی است که کشور مغرب از نظر تاریخی و جغرافیایی به دو بخش «المخزن» و «السباع» تقسیم شده است. منطقه المخزن به طور کامل زیر نظر حکومت مرکزی بوده و از جنبه‌های مختلف از رشد و توسعه خوبی برخوردار است و شهرهای بزرگ و مهمی مانند مراکش، مکناس، فاس، رباط و... در این منطقه قرار دارند. منطقه السباع، مناطق کوهستانی و خشک، دره‌ها و ناهمواری‌ها و مناطق دوردست و صحرایی را دربرمی‌گیرد و در گذشته نیز حکومتی خودمختار از خود قبائل بر مردم حکومت می‌کرد.

تیلور این نکته را متذکر می‌شود که برخی مورخان بر این باورند که قبائل بربر از قرن یازدهم تحت فرمان حکومت مرکزی، یعنی پادشاهی مغرب درآمدند. به گفته او شهرهای مراکش، فاس، مکناس و رباط به ترتیب پایتخت مغرب بوده‌اند. درباره آداب و رسوم خانوادگی و اجتماعی قبائل این منطقه نیز چنین می‌خوانیم؛ بربرها مسلمان هستند و یک فرد مسلمان بربر فقط با یک زن ازدواج می‌کند. هرچند مواردی استثنایی نیز پیش می‌آید که فردی دو بار ازدواج کند. زن در هر موقعیت اجتماعی، به لحاظ سنتی و قانونی باید تابع شوهر خود باشد، مسئله‌ای که قبل از ازدواج برعهده پدر اوست. هر چند که در سال‌های اخیر و با گسترش مدرنیسم و جهانی شدن این شرایط تغییر کرده است.